

اخلاق و اقتصاد

نظریه ی «هماهنگی منافع فردی و جمعی» که پایه اساسی اقتصاد سیاسی کلاسیک را تشکیل می دهد، درحقیقت علاوه برتوجه اقتصادی یعنی «ثروت ملل» و «رفاه مادی» ناظر برنتایج سیاسی و اجتماعی نیزهست.

تایید مال دوستی و نفع شخصی نزد متفکرین جدید، به معنی کنار نهادن اصول اخلاقی سنتی نبود. بلکه به منظور مهار کردن انفعالات نفسانی ویرانگر و جامعه ستیز بود. چون جستجوی نفع شخصی به لحاظ اجتماعی مفید و به لحاظ اخلاقی خنثی یا بی ضرر تشخیص داده می شد به تدریج مورد تایید قرار می گرفت. آدام اسمیت، کسی که در پایه ریزی علم اقتصاد بیش از همه نقش دارد، در کتاب معروف خود («ثروت ملل») نشان می دهد که ثروتمند شدن جامعه تنها در سایه ثروتمند شدن افراد و جستجوی نفع شخصی امکان پذیر است. در سیستم اقتصادی آدام اسمیت که آن را «سیستم آزادی طبیعی» نام می نهد، جستجوی نفع شخصی به «خیر عمومی» (ثروتمند شدن ملت یا جامعه) می انجامد. لذا می توان گفت رفتار سود جویانه و مبتنی بر نفع شخصی، از لحاظ اقتصادی توجه اخلاقی پیدا می کند.

باید توجه کرد این توجه اقتصادی که آن را نزد جان لاک نیز می توان سراغ گرفت، تنها اساس و پایه توجه اخلاقی رفتار مبتنی بر نفع خصوصی نیست. بلکه نتایج سیاسی و اجتماعی این رفتار برای برقراری جامعه مدنی و صلح و آرامش بین انسان ها نیز همان قدر اهمیت دارد. به عبارت دیگر، اقتصاد علاوه بر رفاه مادی، کارکرد سیاسی و اجتماعی اساسی دارد.

در جوامع توسعه نیافته، از جمله در کشور ما، رابطه بین اخلاق و اقتصاد به معضل بسیار پیچیده تری تبدیل شده است. ساختار سنتی تولید و روابط عینی اقتصادی- اجتماعی دگرگون شده، اما ارزش های سنتی نتوانسته است هیچ راه حلی برای سازگاری خود در این وضع جدید پیدا کند. این است که واقعیات، بیش از پیش در تضاد با ارزش ها قرار می گیرد. تداوم و تعمیق این تضاد ممکن است نتایج اسفبار و غیر قابل پیش بینی داشته باشد. برای از میان برداشتن این مشکل، دوره حل می توان تصور کرد: یکی سازگار کردن واقعیات با دستورات اخلاقی و ارزش های سنتی دیگری، سازگار کردن این ارزش ها با واقعیات اساسی. کوشش هایی که تا کنون برای اصلاح و تغییر در علم اقتصاد و از این طریق ایجاد تغییر در واقعیات اقتصادی به منظور تطبیق آن ها با ارزش های سنتی صورت گرفته، نشان دهنده یک مشکل معرفتی بزرگ و سوتفاهم ریشه ای در درک موقعیت و چگونگی این علم است. باید توجه کرد که علم اقتصاد محصول یک شیوه تعقلی جدید و ویژه است که هیچ جایگاهی در نظام تعقلی اندیشه سنتی نمی تواند داشته باشد. در شیوه تعقلی جدید، نقطه آغاز، دستورات و ارزش های اخلاقی نیست. بلکه خود واقعیات است.

علوم اجتماعی جدید، از جمله علم اقتصاد، با تفکر درباره انسان به صورتی که هست به وجود آمده و اطلاق علم به این نظام ها ی فکری نیز به همین لحاظ است. شیوه تفکر جدید منتهی به تفسیری نواز ارزش های اخلاقی سنتی شد و به این ترتیب نظام ارزشی و در نتیجه قواعد رفتاری انسان جدید را متحول ساخت. این تغییر و تحول در جهت سازگاری و تطبیق ارزش ها با واقعیات سیر کرد. آن گونه که در نهایت نظام یک پارچه و جدیدی پدید آمد، که به آن جامعه مدرن می توان اطلاق کرد.

علم اقتصاد درصدد توضیح و تجزیه و تحلیل واقعیات مربوط به نظم اجتماعی ویژه ای است که در سایه قواعد رفتاری خاص این جامعه مدرن پدید آمده است. از این رومی توان گفت که اصلاح و تغییر علم برای تطبیق آن با ارزش های سنتی، حرکتی کاملا وارونه است. بر مبنای دستورات اخلاقی (باید، شایدها) نمی توان علم بنا کرد.

علم، توضیح نظری واقعیات (آن چه هست) است. این تصور که با تسلط بر ابزار تئوریک علم اقتصاد، می توان ارزش های سنتی را به شکل اولیه و دست نخورده، به عنوان اهداف اجتماعی و سیاسی تحقق بخشید، توهمی بیش نیست. چرا که سعی در تحقق این اهداف، قواعد رفتاری خاصی را، که ابزار تئوریک علمی بر پایه آن ها بنا شده است در هم می ریزد و به این ترتیب، اساس هستی شناسانه علم اقتصاد از بین می رود.

علم اقتصاد از این اصل اولیه آغاز می کند که در یک جامعه بزرگ، دستورات اخلاقی نمی تواند تنظیم کننده رفتار اجتماعی افراد و ایجاد کننده نظم قابل پیش بینی باشد. حال آن که با اصل قراردادن رفتار مبتنی بر نفع شخصی، رفتار اجتماعی افراد، نظم معین و قابل پیش بینی پیدا می کند. مضمون علم اقتصاد در واقع توضیح چگونگی پیدایش، ساختار و عملکرد این نظم است. بنا بر این هر کوششی که به قصد اصلاح علم اقتصاد، بخواهد دستورات اخلاقی را اصل رفتاری انسان ها قرار دهد، در واقع علم اقتصاد را اصلاح نمی کند، بلکه آن را از ریشه نفی می کند. واضح است که چنین کوشش ها یی، به دلیل اشکال اساسی متدولوژیک و معرفتی پیش گفته، هیچ گاه به لحاظ نتایج علمی راه به جایی نمی برد و پیوسته دچار تناقضات غیر قابل حل می شود. اما نتایج عملی این «اصلاح علمی» بسیار اسفناک تر است. ارزش ها و هدف های اقتصادی اعلام شده، چون در تضاد با واقعیات است، هیچ گاه تحقق نمی یابد، در نتیجه بین ارزش ها و واقعیات اقتصادی، دوگانگی به وجود می آید.

در چنین وضعی یا فشاری بر اصول اخلاقی، به دلیل این که فاصله بین حرف و عمل را گسترده ترمی سازد، قدر و منزلت آن را در جامعه مخدوش و زندگی اقتصادی را بیش از پیش از اخلاقیات تهی می سازد. به این ترتیب، ظاهر سازی تبدیل به قاعده رفتاری عام شده و امکان برقراری یک نظم اجتماعی منسجم و قابل پیش بینی، غیر ممکن شده و دستگاه اقتصادی فلج می شود. به دیگر بیان، از یک سو مجموعه ارزش های سنتی و اخلاقی لطمه می بیند و از سوی دیگر، بازدهی اقتصادی از دست می رود.

مفاهیم «خوب و بد» و «درست و نادرست» در رفتار انسانی، موضوعات اصلی بحث اخلاق هستند و شاید بتوان گفت که هدف نهایی آن - به ویژه در تفکر مدرن - ایجاد یک جامعه صلح آمیز و متشکل از انسان های آزاد است. اهمیت بحث اخلاق در ارتباط با اقتصاد، مشخصا در دستیابی به چنین جامعه ای است. شرط لازم هرگونه پیشرفت مداوم اقتصادی، برخورداری جامعه از صلح و آرامش و نیز فعالیت ها و ابتکارات آزادانه فردی است. هیچ جامعه ای بدون دست یافتن به حداقل راه حل در خصوص مسایل اخلاقی نمی تواند به اقتصادی با پیشرفت پایدار - یا آن چه اصطلاحا توسعه اقتصادی گفته می شود - دست یابد. این موضوع به قدری واضح است که نیازی به توضیح بیشتری ندارد.

جامعه پیشرفته اقتصادی، خود نتیجه و نشانه دستیابی به نوعی نظم اخلاقی محکم و قابل اتکا است. اما این سخن به این معنا نیست که در جوامع صنعتی جدید، اخلاقیات بر تمام شئون زندگی حاکم شده و آن ها را تبدیل به جوامع بی عیب و نقص کرده است. گمان نمی رود امروزه هیچ متفکری مدعی تاسیس جامعه آرمانی روی کره خاکی باشد. در اندیشه جدید که جوامع صنعتی پیشرفته محصول آن است، انسان موجودی است که انفعالات نفسانی (خواهش های نفسانی)، انگیزه اصلی رفتاری اوست و نه عقل. از این رو در چارچوب این اندیشه، تحقق جامعه آرمانی یا بهشت روی زمین ممکن نیست.

به نقل از کتاب «جامعه مدنی»، «آزادی، اقتصاد و سیاست»، نوشته موسی غنی نژاد – چاپ اول 1377
خواننده علاقه مند جهت آشنایی بیشتر با این بحث نظری، علاوه بر کتاب نام برده می تواند به کتاب «فریدریش فون هایک» تحت عنوان «قانون، قانون گذاری و آزادی» در سه جلد به زبان فارسی، ترجمه مهشید معیری و موسی غنی نژاد – انتشارات دنیای اقتصاد مراجعه نماید.

قسمت اول:

[audio:http://goftar-berlin.de/wp-content/uploads/2016/12/2016-12-03_a.mp3]

قسمت دوم:

[audio:http://goftar-berlin.de/wp-content/uploads/2016/12/2016-12-03_b.mp3]

.

.